

کمون پاریس

در تاریخ، بیشتر اوقات انقلاب پس از جنگ فرا می رسد. در اوضاع عادی توده های کارگر خود را با تحمل رنج بسیار از روزی به روز دیگر می رسانند و کار برده وار خود را با بردباری انجام می دهند و در مقابل نیروی شگرف عادت پشت دوتا می کنند. اگر عادت نبود نه مراقبان و نه پلیس، نه زندان بانان و نه دژخیمان، نمی توانستند توده هائی را که چنین از جان و دل به سرمایه داری خدمت می کنند بدینگونه منقاد سازند.

جنگ، که توده ها را چنین شکنجه می کند و تباه می سازد، برای فرمان روایان هم خطرناک است. درست بدین دلیل که با یک ضربت مردم را از وضع عادی شان بیرون می کشد و با تندر خود عقب مانده ترین و غافل ترین افراد را بیدار می سازد که از اعمال خود سیاهه ای تهیه کنند و به اطراف خویش بنگرند.

جنگ و انقلاب

فرمانروایان برای بزور راندن میلیون ها رنجبر به درون شعله های جنگ مجبور هستند که به جای عادت دست به دامن وعده و دروغ شوند. طبقه متوسط جنگ خود را با آنچه برای روح بزرگوار توده ها گرامی است بزک می کند: جنگ در راه «آزادی» است، برای «دادگری» است، و با هدف «زندگی بهتر». جنگ که توده ها را از پست ترین بیغوله های شان بیرون می کشد همیشه دست آخر آنها را گول می زند: و برایشان ارمغانی نمی آورد جز زخم ها و زنجیرهای تازه. بدین دلیل وضع برانگیخته توده های فریب خورده که حاصل جنگ است گاهی به انفجاری علیه فرمانروایان کشانیده می شود؛ جنگ انقلاب می زاید.

دوازده سال پیش در طول جنگ روس و ژاپن چنین روی داد: جنگ نارضائی مردم را شدیدتر کرد و به انقلاب ۱۹۰۵ انجامید.

در فرانسه چهل و شش سال پیش چنین اتفاقی روی داد: کار جنگ ۱۸۷۰-۱۸۷۱ فرانسه و پروس به قیام کارگران و آفرینش کمون پاریس کشید.

کمون

حکومت طبقه متوسط برای دفاع از پایتخت در مقابل سپاهیان آلمانی کارگران را مسلح کرده و گارد ملی را بوجود آورده بود. اما طبقه متوسط فرانسوی از کارگران خود بیشتر ترسید تا از لشکریان هومن تزولرن^۱. پس از تسلیم پاریس حکومت جمهوری در صدد خلع سلاح کارگران برآمد. اما جنگ در اینان روح طغیان را بیدار کرده بود. نمی خواستند به همان وضع کارگری برگردند که پیش از جنگ داشتند. کارگران پاریس از تسلیم سلاح هائی که در دست داشتند امتناع کردند. میان کارگران مسلح و هنگ های دولت درگیری روی داد. این واقعه در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ پیش آمد. کارگران پیروز شدند و پاریس به دست آنان افتاد، و در ۲۸ مارس در پایتخت حکومتی کارگری، به نام کمون، برقرار کردند. این حکومت دیر نپایید. آخرین مدافعان کمون بعد از یک پایداری دلیرانه در برابر حمله لشکریان طبقه متوسط به خاک و خون غلتیدند و آنگاه هفته ها و ماه ها قصاص از شرکت کنندگان در انقلاب طبقه زحمتکش در جریان بود. اما کمون، با همه مستعجل بودن دولت اش، بزرگترین رویداد در تاریخ مبارزه های کارگری شناخته شد. طبقه زحمتکش جهان توانست برای اولین بار براساس تجربه کارگران پاریسی ببیند که انقلاب زحمتکشان چیست، هدف های آن کدام است، و چه راه هائی را باید در پیش گیرد.

^۱ - هوهانزولرن Hohenzollern به (آلمانی هومن تزولرن)، آخرین سلسله پادشاهان پروس و

امپراتوران آلمان از ۱۷۰۱ تا ۱۹۱۸.

کارهای بزرگ کمون

کمون شروع کرد به تأیید برگزیده شدن بیگانگان در دولت کارگری؛ اعلام کرد که: «پرچم کمون پرچم جمهوری جهانی است.»

کمون دولت و مدرسه را از دین پاک کرد، کیفر مرگ را لغو نمود، ستون و اندوم^۲ را (که نشانه میهن پرستی افراطی بود) به زیر کشید، همه وظیفه ها و مقام ها را به خدمت گزاران اصیل مردم سپرد و دستمزد آنان را در سطحی نه بالاتر از مزد کارگر قرار داد.

شروع کرد به آماربرداری از کارخانه ها و کارگاه هائی که سرمایه داران هراسناک تعطیل کرده بودند، برای این که تولید را برپایه اجتماعی آغاز کند. و این گام اول بود به سوی سازمان جامعه گرایانه زندگی اقتصادی.

کمون اقداماتی را که در نظر داشت تحقق بخشید، زیرا که خود درهم شکست. طبقه متوسط فرانسوی با همکاری بیسمارک «دشمن ملی» خود- که در دم متفق طبقاتی آن شد- قیام دشمن راستین خود، یعنی طبقه کارگر، را به خون کشانید. نقشه ها و وظیفه های کمون جامعه عمل نپوشید اما در عوض به دل های بهترین فرزندان طبقه کارگر جهان راه یافت. آن نقشه ها و وظیفه ها میثاق های انقلابی مبارزه ما شده است.

و امروز، در ۱۸ مارس ۱۹۱۷ تصویر کمون آشکارتر از همیشه در برابر ما پدیدار می شود، زیرا که بعد از گذشت زمانی دراز، یک بار دیگر به دوره جنگ های انقلابی گام نهاده ایم.

^۲ - ستون و اندوم Vendome ستونی که به یادبود پیروزی های ناپلئون بناپارت ساخته شد.

کمون آنرا خراب کرد اما تی پر آن را مجدداً برپا ساخت. هنوز وجود دارد. (ن)

جنگ جهانی

جنگ جهانی ده ها رنجبر را از اوضاع عادی که در آنها کار می کردند و رویش داشتند، بیرون کشیده است. تاکنون این وضع فقط در اروپا بوده است؛ فردا همین را در امریکا هم خواهیم دید. هیچ گاه به طبقه کارگر نویدهایی بیشتر از این داده نشده بود. هیچ گاه چنین رنگین کمان هائی برای آنان ترسیم نگردیده بود. هیچ گاه به اندازه دوره این جنگ به آنان تملق نگفته بودند. هیچ گاه طبقات دارا جرأت نکرده بودند که برای دفاع از دروغی که «دفاع از مام میهن» نام دارد این همه خون از مردم بخواهند. و هیچ گاه پیش از این رنجبران این قدر فریب نخورده و مورد خیانت واقع نگردیده و قربانی نشده بودند.

در سنگرهای خندقی پر از خون ولای و در شهرها و روستاهای قحطی زده میلیون ها دل با هیجان و نومیدی و خشم می تپند. و این تأثیرها دست به دست اندیشه های جامعه گرایانه داده و به حمیت انقلابی تبدیل شده است. فردا شعله ها به صورت قیام های نیرومند و آشکار توده های کارگری زیانه خواهند گشید.

طبقه زحمتکش روسیه هم اکنون از شاهراه انقلاب سربرآورده است و پایه های ناشریف ترین استبدادی که جهان به خود دیده است بر اثر برخورد با آن می لرزد و فرو می ریزد. با این همه انقلاب روسیه چیزی نیست جز منادی طغیان های زحمتکشان در همه اروپا و در سراسر جهان.

ما جامعه گرایان به توده های سرکش کارگری خواهیم گفت: کمون را بیاد بیاورید! طبقه متوسط شما را علیه دشمنی خارجی مسلح کرده است. از پس دادن سلاح ها امتناع کنید، آن چنان که کارگران پاریسی در ۱۸۷۱ کردند! به دعوت کارل لیب کنشت^۲ توجه کنید و این سلاح ها را به سوی دشمن راستین خود، به سوی

^۲ - لیب کنشت، کارل Karl Liebknecht انقلابی آلمانی و همکار روزا لوکزامبورگ مخالف حکومت Ebert. در ۲۵ دی ۱۵ ژانویه ۱۹۱۹ با روزا لوکزامبورگ دستگیر و کشته شد.

سرمایه داری برگردانید! ماشین دولت را از چنگ آنان بیرون آورید! آن را از وسیله ستم طبقه متوسط به ابزار حکومت طبقه زحمتکش بر خود آنان بدل کنید. امروز شما بسیار نیرومندتر از آن هستید که نیاکان شما در زمان کمون بودند. همه انگل ها را از تخت هایشان بزیر آورید! زمین ها، معدن ها، کارخانه ها، همه را برای مصرف خودتان تصرف کنید. برادری در کار، و برابری در بهره مندی از نتیجه کار! پرچم کمون پرچم جمهوری جهانی کارگر است.

نیویورک ۱۷ مارس ۱۹۱۷

لوکزامبورگ، روزا Rosa Luxemburg (۱۸۷۰-۱۹۱۹)، انقلابی و نظریه پرداز لهستانی. رهبر طغیان کارگران آلمانی که به جنگ جهانی انجامید. از پیروان و از شهیدان نهضت کمونیستی بین المللی.